

تا تکینه‌گاه روایت

حفت جستار فلسفی دربارهٔ فیلم جادهٔ مال‌هالند،

ساختهٔ دیوید لینچ

ترجمهٔ

احسان سنایی اردک‌ای



نشر کردن

این کتاب ترجمه‌ای است از مقالات زیر:

"Confessions of 'A Certain Kind of Moviegoer': Examining David Lynch", "An Oneiric Fugue: The Various Logics of *Mulholland Drive*", "Identity and Agency in *Mulholland Drive*", "Cowboy Rules: *Mulholland Drive*, Kafka, and Illusory Freedom", "*Silence* *Mulholland Drive* as Cinematic Romanticism", "Out of Synch, Out of Sight: Synaesthesia and Film Spectacle", "Monstrous Maturity on *Mulholland Drive*"

سرشناسه: سنایی اردکانی، احسان، ۱۳۶۸ - ، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: تا تکیه‌گاه روایت: هفت جستار فلسفی درباره فیلم *جاده مال‌هالند*، ساخته دیوید لینچ /
[گردآوری و] ترجمه احسان سنایی اردکانی.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-622-642075-4

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: هفت جستار فلسفی درباره فیلم *جاده مال‌هالند*، ساخته دیوید لینچ.

موضوع: لینچ، دیوید، ۱۹۴۶ - م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Lynch, David K., 1946- -- Criticism and interpretation

موضوع: *جاده مال‌هالند* (فیلم: ۲۰۰۱ م.)

موضوع: *Mulholland Drive* (Motion picture: 2001)

موضوع: سینما -- ایالات متحده -- فلسفه

موضوع: Motion pictures -- United States -- Philosophy

رده‌بندی کنگره: PN۱۹۹۸/۲

رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۷۹۱۱۷

همه حقوق برای نشرکردن محفوظ است.

www.kargadanpub.com

telegram.me/kargadanpub

instagram.com/kargadan.pub



نشرکردن

تا تکنیته‌گاه روایت: هفت جستار فلسفی در باب فیلم *ماده‌ماله‌اند*، ساخته دیوید لینچ

مترجم: احسان سنایی اردکانی

ویراستار: پریا عباسی

ویراستار فنی: زهرا اسحق‌زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۲۰-۷۵-۴

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱	مقدمه مترجم: جادۀ مالهالند، تولد یک کلاسیک
۲۱	درباره فیلم و کارگردان
۲۵	درباره نویسندگان
۲۹	اعترافات «یک نوع فیلم بین به خط ووص» / ریپین دیوید لینچ / دیوید اندروز
۴۳	یک فوگ رویاگون: انواع منطق های جادۀ مالهالند / دیوید اندروز
۸۱	هویت و عاملیت در جادۀ مالهالند / آلیسون بهام و فرانک وارل
۱۲۳	امر، امر کابوی: جادۀ مالهالند، کافکا و اختیار واهی / آلن سون
۱۴۳	سیلنسیو: جادۀ مالهالند همچون رمانتیسیم سینمایی / رابرت سیلر دینک
۱۷۳	خارج از گام، خارج از دید: حس آمیزی و منظر فیلم / جنیفر لارک
۱۹۷	تشریف عفرتی بر جادۀ مالهالند / پاتریک لی. میلر

مقدمه مترجم

جاده مالهایند،

تولد یک کلاسیک

فاجعه‌ای که به تجربه رمی آیس، اغلب به شکلی دلهره‌آور به باز نمودش شباهت دارد. حمله به مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در بسیاری از روایت‌های دست‌اول کسانی که در برج‌ها فرار کرده یا از نزدیک شاهد ماجرا بودند، اتفاقی توصیف می‌شد. «غیرواقعی»، «سوررئال» و «مثل فیلم» (با گذشت چهار دهه از تولید فیلم‌های هیجانی پرخرج هالیوود، ظاهراً جمله «انگار داشتم فیلم می‌دیدم» جایگزین جمله‌ای شده که بازمانده آن یک فاجعه در توصیف هضم‌ناپذیری مستعجل آنچه از سرگذراننده بوده، بسیار به زبان می‌آوردند: «انگار داشتم خواب می‌دیدم»).

Sontag (2003: 2)

خواب دیدن به جای فیلم دیدن؛ مخاطبان و منتقدان بسیاری تجربه تماشای جاده مالهایند را چنین توصیف کرده‌اند.^۱ دیوید لینچ^۲ بار دیگر اثری به گونه‌ای پرحرف و حدیث خود افزوده بود که به رغم «چهار دهه تولید فیلم‌های هیجانی پرخرج هالیوود»، همچنان «غیرواقعی»، «سوررئال»، و اینک شبیه به یک «خواب» از آن یاد می‌شد. فیلم باز نمود هیچ «فاجعه»‌ای نبود، اما استفن هولدن، گزارشگر

۱. در این نوشتار، فرض بر آن است که خواننده دست‌کم یک‌بار به تماشای جاده مالهایند نشسته است.

2. David Lynch

نیویورک تایمز، دو روز پس از اکران عمومی آن در اکتبر ۲۰۰۱، اذعان کرد «وقتی جاده مالهایند را می بینی، می مانی که آیا هیچ فیلم سازی تا به حال عمیق تر از دیوید لینچ کلیشه هالیوود به مثابه 'کارخانه رؤیا' را تا بطن آن دنبال کرده یا خیر... تفحص فیلم در قدرت فیلم ها حفره های را نقر می کند که از آن می توانی صحنه های عفرفیتی حریص را بشنوی که هرگز نمی توان ولعش را فرو نشانند» (Holden 2001). علاقه مندان متعصب سینمای لینچ و شیفتگان گفتمان روان کاوی در استقبال از جاده مالهایند به همان تفسیرها و اصطلاح شناسی سابقشان در مواجهه با دیگر آثار لینچ اکتفا کردند. در مقابل، عمده منتقدان با حفظ فاصله ای به یک اندازه از نهایی سب و نظریه، به تفاوت های روایت فیلم با اسلاف لینچی آن (خاصه کله پاک، جزایر بزرگ راه گمشده) پی بردند. راجر ایبرت، منتقد سرشناس شیکاگو سان تایمز این فیلم را غایت کل کارنامه لینچ دانست و اذعان کرد «حال که به مقصودش رسید و حشری الفطری و حتی بزرگ راه گمشده را بر او می بخشم» (Ebert 2001). جابر پترسون، منتقد گاردین که تجربه تماشای کله پاک کن را بر پرده سالی در بالتیمور، علاوه بر اکران هفت فیلم دیگر لینچ از آن پس، با هیچ یک عوض نکرده بود به خاطر دارد که «وقتی جاده مالهایند را به اجبار به خاطر عایدی آن تماشا کردم، عجیباً که خوب و زیاده پرت شده بودم به بالتیمور» (Patterson 2017). این منتقدان متفقاً بر این انتظار دارند که درک فیلم جدید لینچ انتظاری است بی مورد؛ چرا که به قول ایبرت، «جاده مالهایند» «فیلمی است برای وادادن. اگر منطق می خواهی، چیز دیگری ببین».

با گذشت بیش از یک دهه از اکران جاده مالهایند، آنچه مسلم می نماید این است که فیلم استثنایی بود بر قواعد ژانر، روایت و حتی سبک پردازی. این توصیف به مرور زمان و با احراز تقلیدناپذیری فیلم آشکارتر شده است.^۴

۱. *Eraserhead*: نخستین فیلم بلند لینچ، محصول ۱۹۷۷.

2. *Last Highway* (1997)

3. *Wild at Heart* (1990)

۴. جاده مالهایند در نظرسنجی سه وبسایت نقد فیلم (IndieWire و Reverse Shot, Film Comment) و همچنین انجمن منتقدان فیلم لس آنجلس (LAFA) برای انتخاب بهترین فیلم دهه نخست قرن بیست و یکم، متفقاً در جایگاه نخست قرار گرفت. همچنین در نظرسنجی سال ۲۰۱۶ شبکه BBC از ۱۷۷ منتقد از ۳۶ کشور جهان، به عنوان بهترین فیلم قرن بیست و یکم تا به امروز انتخاب شده است.